

فقره در مختصر نور

امام جعفر صادق‎^ع

أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَوْسَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ، إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ، فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ يَغْلَمْوا بِمَكَانِهِ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَغْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَنْظَلْ حُجَّةُ اللَّهِ فَعَبَدُهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ.
نزدیک‌ترین حالت بندگان به خدا و خشنودی او از آنها هنگامی است که حجت خدا در میان آنها نباشد و برای آنها ظاهر نشود و آنها محل او را ندانند. ولی در عین حال معتقد باشند که حجت خدا هست، در این زمان شب و روز در انتظار فرج باشند.

بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۱۴۵

آیت‌الله‌العظمی جوادى آملی

نور ریحانة‌النبی ﷺ

فراموش شدنی نیست

همزمان با سالروز ولادت فرخنده حضرت زهرا ^{علیها السلام}، همایش ملی «ریحانة‌النبی با محوریت نهج‌البلاغه» با پیام تصویری حضرت آیت‌الله جوادى آملی در شهرستان مهر استان فارس برگزار شد.

این مرجع تقلید در پیام خود به این همایش اظهار داشتند: زهرا ^{علیها السلام}، این ریحانة‌النبی فراموش شدنی نیست، برای اینکه این، به نور الهی وابسته است. نور الهی نوری است که زمین را روشن می‌کند، زمان را روشن می‌کند، سپهر را روشن می‌کند. شما در حال صدقیه کبری ^{علیها السلام}) دیده و شنیده و خوانده‌اید که وقتی به محراب عبادت می‌ایستاد، نور عبادتش نظام سپهری را روشن می‌کرد، نور حضرت به آسمان می‌رفت، اهل آسمان از آن نور استفاده می‌کردند. این نور، زمینی نیست. این نور، زمانی نیست. این نور، خاموش شدنی نیست، چون «یُریدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ یَأْتِیَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ تَتِمَّ نُورُهُ» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء، در پیام معظم‌له به این همایش آمده است:

محور نشست امسال جریان ریحانة‌النبی فاطمه زهرا ^{علیها السلام} و نهج‌البلاغه است. وجود مبارک امیرمؤمنان ^{علیها السلام} خطب عمیق علمی دارد که بخشی از آن خطب عمیق علمی را وجود مبارک صدقیه کبری ^{علیها السلام}) ۲۵ سال قبل از اینکه علی بن ابی‌طالب ^{علیها السلام} به مقام خلافت ظاهری برسند و این بخش از خطبه‌ها را ایراد کنند، ایراد فرمودند که در سال گذشته گوشه‌ای از خطبه فدکیه آن ذات مقدس ارائه شد.

در این نوبت بیان نورانی امیرمؤمنان ^{علیها السلام} در نهج‌البلاغه درباره صدقیه کبری، حجت بالغه الهی، صاحب عصمت کلیه الهی ^{علیها السلام} به عرضتان می‌رسد. فرمود وجود مبارک زهرا ^{علیها السلام} به مقامی رسیده است که خاموش کردن این چراغ مقدور افراد عادی نبود. همه تلاش و کوشش کردند؛ یعنی امت صدر اسلام تلاش و کوشش کرد تا مقام ولای آن حضرت را نادیده انگارد. در هنگام دفن بی‌بی ^{علیها السلام} رو به قبر پیغمبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمود: دخترت امشب به شما ملحق می‌شود، گزارش به عرضتان می‌رساند: «بِتَضَافُرِ أَمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا»[نهج‌البلاغه صبحی صالح، خطبه۲۲] یعنی شکستن مقام ولای زهرا ^{علیها السلام} کار سقیفه نبود، کار خلیفه نبود، کار همگان بود؛ یعنی سقیفه و مردم، خلیفه و مردم، دست‌نشانده‌ها، همه این منافقین، همه افراد ضعیف‌الایمان، همه

۱

درستی یا نادرستی اتهام صدرالمتألهین به انکار معاد جسمانی

حجت‌الاسلام والمسلمین عشاقی

صدرالمتألهین مرحله مقدماتی قیامت را که در آن، حوادثی مثل (زلزله زمین، تاریکی خورشید، جوش آمدن آب دریاها خروج انسان‌ها از قبور مادی و...) رخ می‌دهد، مرحله‌ای مادی قرار می‌دهد و حشر انسان‌ها را نیز در این مرحله، حشر جسمانی و با جسم مادی عنصری می‌داند؛ ولی مرحله نهایی قیامت را که همان «عالم آخرت» است، مجرد می‌داند؛ بنابراین او انکار نمی‌کند که انسان‌ها در ابتدای برپایی قیامت با جسم مادی عنصری به صحنه قیامت محشور می‌شوند و معاد را در این مرحله، مادی می‌داند؛ چیزی که او اضافه بر این مرحله مادی می‌گوید، این است که این انسان‌ها و نیز مجموعه عالم مادی بعد از این مرحله مادی، با تحولاتی که به‌تدریج دارند، به سوی «عالم آخرت» که عالمی مجرد است، انقلاب می‌یابند و به آن تبدیل می‌شوند. در ادامه، مستندات دیدگاه فوق‌الذکر را در آثار صدرا ارائه می‌کنیم.



یَوْمَ یَخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا کَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ یُوفَّضُونَ یَوْمَ یَنْظُرُ الْمَوْتُ مَا قَدَّمَتْ یَدَاهُ یَوْمَ لَا تَمْلِكُ لِنَفْسٍ لِنَفْسٍ شَیْئًا وَالْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلَّهِ یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ إِذَا یُغْزَرُ مَا فِی الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِی الصُّدُورِ.
در این عبارات او با جمله «لا یقوم القيامة إلا إذا زُلزِلَت الأرض زلزالها...» زمان شروع قیامت را روشن و بیان می‌کند: قیام قیامت هنگام وقوع زلزله زمین است: (إِذَا زُلزِلَتِ الْأَرْضُ...) و نیز همزمان با وقوع سایر حوادث ذکرشده دراین عبارت است که عموماً

سخن بزرگان

امام خمینی‎^ع

مستولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت – ارواحنا له الفداء– است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد.

صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸



خوتنان رنگین می‌کنم، این زهراست! درباره حق خود هم فرمود، من چون دستم تنها بود، از حقم گذشتم. این جمله اخیری که عرض می‌کنیم، این در «تمام نهج‌البلاغه» است، در خود نهج‌البلاغه نیست. یک کلام نورانی، یک نامه نورانی، مکتوب نورانی از علی‌بن ابی‌طالب ^{علیها السلام} در «تمام نهج‌البلاغه» آمده است که حضرت دستور دادند، این نامه را در تمام روزهای جمعه، در نماز جمعه بخوانند. در بخش پایانی این خطبه این نامه مبسوط که فرمود در هر روز جمعه، در خطبه‌های نماز جمعه بخوانند، در پایانش فرمود اینکه من مجبور شدم به سقیفه رأی مثبت بدهم و با دست بسته امضا کنم، برای اینکه دستم تنها و خالی بود. در همان «تمام نهج‌البلاغه» در پایان این خطبه، جلد هفتم، صفحه ۲۹۲ و ۲۹۳ این جمله نورانی علوی ^{علیها السلام} هست، فرمود به اینکه اگر عمومیم حمزه سیدالشهدا و برادرم جعفر طیار با من بودند، من هرگز این بیعت را امضا نمی‌کردم؛ ولی دستم تنها بود، من تنها بودم: «لَوْ کَانَ لِي بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عُمَی حَمَزَةٌ وَ أُخَى جَعْفَرٌ لَمْ أَبَايَعْ كُفَّاهُ»؛ اتمام نهج‌البلاغه، (ط . قدیم)، ص[۱۸۸] هرگز من بیعت نمی‌کردم. فقط دو عمو برای من ماندند که اینها «خدیثی عَهِدِ بِالْإِسْلَام» بودند، هرگز شهادت حمزه سیدالشهدا را نداشتند. عمومیم عباس «خدیثی عَهِدِ بِالْإِسْلَام» بود، عمومیم عقیل «خدیثی عَهِدِ بِالْإِسْلَام» بود، اینها چون «خدیثی عَهِدِ بِالْإِسْلَام» بودند، نه هم‌آوردی حمزه را داشتند، نه هم‌آوردی برادرم جعفر را داشتند؛ لذا من نمی‌توانستم با دست تنها و خالی قیام کنم؛ ولی اگر حمزه بود، اگر جعفر بود، من آرام

حضرت علی (ع) در حین خطبه فدکیه

حوادثی مادی هستند؛ مثل تاریکی خورشید، انفطار آسمان‌ها، به‌هم‌ریختگی ستارگان، به‌جوش آمدن و انفجار دریاها و خیزش مردگان از قبور؛ پس مجموعه قیامت نزد او مجرد نیست؛ بلکه قیامت با تحقق حوادث مادی زیادی شروع شده و سپس (طبق بیانات دیگرش) این عالم مادی همراه با آن حوادث مادی‌ش، با حرکت جوهری، به‌تدریج تبدیل یافته و نهایتاً به عالم آخرت که یک عالم مجرد است، مبدل خواهد شد؛ مثلاً او در عبارتی می‌گوید: «البعث من نشأة طبيعية إلی نشأة أخروية لا یمکن إلا بانقلاب الجوهر وتبدل الذات» (اسرارالآیات، ص ۸۷)؛ یعنی خیزش از نشأة طبیعت مادی به سوی نشأة آخرت، ممکن نیست؛ مگر با حرکت در جوهر آن و تبدیل ذاتش.

پس طبق نظر صدرالمتألهین در ابتدا قیام قیامت، هنوز عالم مادی، باقی است و با حرکت جوهری، به‌تدریج مجرد می‌شود؛ لذا باید گفت که قیامت نزد او گستروتر از خصوص عالم مجرد «آخرت» است و باید پذیرفت، او قیامت را شامل دو بخش مادی و مجرد می‌داند که «عالم آخرت» همان بخش مجرد آن است و مرحله مادی‌ش، گرچه بخشی از قیامت است؛ اما با «عالم آخرت» مجرد، مغایر است؛ بر همین اساس او در کتاب مفاتیح‌الغیب از آن بخش مادی قیامت، با عنوان نشأة حشر یاد می‌کند و زنده‌شدن انسان‌ها در قیامت را در همین مرحله دانسته که هم، عالم هنوز مادی‌تش ادامه دارد و هم، انسان‌ها با جسم مادی محشور می‌شوند.

در مجموع، صدرالمتألهین عوالم کلی بعد از مرگ از دنیا را چهار نشأة می‌داند:

اول نشاه برزخ، دوم نشاه حشر مادی که در بخش مادی عالم قیامت رخ می‌دهد و به‌خاطر اینکه آن را یک نشأة می‌داند، ظاهر این است که او زمان این مرحله مادی قیامت را زمانی کمی نمی‌داند، سوم نشأة آخرت که مجرد به تجرد مثالی است و چهارم عالم آخرت که مجرد به تجرد عقلی است. عبارت او این است: «فأول هذه النشأت نشأة البرزخ والقیـر...؛ والثانیة نشأة الحشر ... وهذه النشأة فی صورة النشأة

افوجوزة

- سال بیست و چهارم
- شماره ۸۶۵
- دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴
- ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

<div><div> </div><div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div></div>
<div><div> </div><div>مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضارستمی</div></div>
<div><div> </div><div>سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه</div></div>
<div><div> </div><div>تلفن: ۰۳۲۹-۰۵۳۸ • نمابر: ۰۳۲۹-۱۵۲۳</div></div>
<div><div> </div><div>صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱</div></div>
<div><div> </div><div>نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div></div>
<div><div> </div><div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div> </div><div>پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div> </div><div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۰۶۵۵۸۶۸۰ (۴۱)</div></div>

عطریار

انتظار جانان

محمد جواد شیرازی

فانی‌ام... آغاز و پایانی ندارم جز خودت
محبی‌الاموات من، جانی ندارم جز خودت
سال‌ها محتاج نانم از تنور خانه‌ات
از کسی در سفرهام نانی ندارم جز خودت
باز هم دارم غزل‌ها را بهانه می‌کنم
قصدی از شعر و غزل خوانی ندارم جز خودت
هرکسی که دل به او بستم دلم را زد شکست
با دل ویرانه خواهانی ندارم جز خودت
یک زمانی هم اگر حرفی ز آبادی شود
در خراب آباد دل، بانی ندارم جز خودت
چاره‌ای کن، غفلتم از تو جداییم کرده است
چاره‌ای هنگام حیرانی ندارم جز خودت
می‌نشینی پیش چشمم باز انکارت کنند؟!
مثل یعقوبم که برهانی ندارم جز خودت
پاره کردم این گریبان را بدانی عاشقم
بهر کس پاره گریبانی ندارم جز خودت
در پشیمانی، پشیمان از پشیمانی شدم
راه حل از این پشیمانی ندارم جز خودت
بین خلوتگاه قبرم شک ندارم آخرش
فاتحه‌خوانی و مهمانی ندارم جز خودت
در قیامت هم بهشت من تویی یابن‌الحسن
خوب می‌دانی که رضوانی ندارم جز خودت
آرزویم کربلا رفتن به همراه شما است
همسفر تا کوی جانانی ندارم جز خودت

نمی‌نشستم؛ هم درباره خود آن وضع موجود صدر اسلام را امضا نکرد و هم درباره صدقیه کبری ^{علیها السلام} .

من مجدداً مقدم همه شما را گرامی می‌دارم. از همه بزرگواران، مخصوصاً عزیزان و جوانان پُرشور مسئلت دارم که ارتباط علمی‌شان را با خاندان عصمت و طهارت زیاد کنند. ارتباطشان را با حوزه، با دانشگاه، دانشگاه پیوندش را با حوزه، با علما، با ریحانة‌النبی ^{علیها السلام} محکم کنند که این اثر ولایت، کشور را به دست صاحب اصلی خود مرحمت کند.

العنصرية حذو القذة بالقذة وقد أخبر عنها تعالى بقوله أَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نَظْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَصُرِبَتْ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُعْطِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ...و بعد نشأة الحشر، للسعداء نشأتان آخرتان وللاشقياء نشأة أخرى واحدة هي نشأة الجحيم والنار وذلك لأن السعداء قسمان أحدهما من المقربين وهم المجردون عن الأجسام الطبيعية والأخروية والأبدان الحسية والمثالية فيحشرون إلى العالم الأعلى العقلي ... والثاني من أصحاب اليمين وجناتهم جنات الأعمال» (مفاتيح‌الغیب، ص ۶۲۲ الی ۶۲۶).

در این عبارت او نشأة حشر انسان‌ها در قیامت را صریحاً مادی عنصری می‌داند: «هذه النشأة فی صورة النشأة العنصرية» و با عبارت «حذو القذة بالقذة» عنصری بودن لنا را تأکید می‌کند؛ همچنین به آیات آخر سوره یس که به مادی بودن حشر انسان‌ها صراحت دارد، استناد می‌کند: «مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»؛ علاوه بر این، دو نشأة مجرد مثالی و عقلی را بعد از عبور از این مرحله حشر می‌داند «وبعد نشأة الحشر، للسعداء نشأتان آخرتان» که خود قرینه دیگری است بر اینکه او نشاه حشر را مادی می‌داند و شروع مرحله تجرد را بعد از عبور از حشر مادی قرار می‌دهد.

بنابراین روشن شد، بیاناتی که او در کتب مختلفش با ذکر اصول و مقدماتی آورده تا اثبات کند، انسان با بدن روحانی محشور می‌شود، همه ناظر به همین بخش نهایی قیامت، یعنی «آخرت» است، نه مطلق قیامت؛ لذا او عموماً در آن بیانات از کلمه «آخرت» استفاده می‌کند، نه از کلمه قیامت؛ اما در مرحله شروع قیامت او حشر انسان‌ها را حشر جسمانی مادی می‌داند؛ گرچه در مرحله رسیدن به «عالم آخرت»، همه عالم و از جمله انسان‌ها وجودی مجرد دارند.

و نیز روشن می‌شود که انکار جسمانی بودن مطلق معاد، اتهامی است ناروا به صدرالمتألهین، ناشی از عدم دقت کافی در فرمایشات او.